

نگاهی به سریال فریبا؛

## حرکت در مسیری نو

سریال «فریبا» با انتخاب موضوعی مرتبط با دنیای پر پیچ و خم فضای مجازی و اینفلوئنسرها، به نظر می‌رسد در ابتدا ایده‌ای جالب و جذاب را دنبال کرده است. فضای مجازی در زندگی امروزی تأثیرات گسترده‌ای بر روابط اجتماعی، هویت فردی و حتی حرفه‌ای افراد گذاشته است. در این راستا، سریال قصد دارد این بُعد از زندگی دیجیتال را بررسی کند. شخصیت اصلی، فریبا، یک اینفلوئنسر است که در تلاش برای حفظ جایگاه خود در دنیای آنلاین تلاش می‌کند. این موضوع، یعنی برخورد اینفلوئنسرها با فشارهای ناشی از دنیای مجازی و زندگی واقعی، می‌تواند زمینه‌ساز داستانی جذاب باشد.

### پهنام‌زینانی

می‌شوند که در آثار مشابه هم دیده شده است. این موضوع باعث می‌شود که داستان نتواند تأثیرات عاطفی و ذهنی عمیقی بر مخاطب بگذارد. شخصیت‌پردازی در سریال «فریبا» یکی از نقاط ضعف اصلی آن است. فریبا به‌عنوان شخصیت اصلی در ابتدا به‌عنوان یک اینفلوئنسر پرفرود و موفق در فضای مجازی معرفی می‌شود. این شخصیت باید نشان‌دهنده چالش‌های یک فرد موفق در دنیای آنلاین باشد که در عین داشتن شهرت و موفقیت، با مشکلات و بحران‌های درونی و خانوادگی دست و پنجه نرم می‌کند. این ساختار می‌تواند منجر به خلق شخصیت‌هایی چندبعدی و پیچیده شود که در دنیای دیجیتال امروز، همگان به‌نوعی می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند.

با این حال، در عمل، فریبا بیشتر به‌عنوان یک شخصیت سطحی و تک‌بعدی در نظر گرفته می‌شود که تنها به مسائل روزمره، روابط خانوادگی و شغلی می‌پردازد. بحران‌هایی که فریبا با آن‌ها روبرو می‌شود، بیشتر جنبه‌های سطحی و فوری دارند و به‌طور عمیق به ریشه‌های روان‌شناختی یا اجتماعی مشکلاتش پرداخته نمی‌شود. برای مثال، فریبا با مشکلاتی همچون فشارهای اجتماعی یا رقابت‌های شغلی روبرو می‌شود، اما این مسائل بیشتر به‌عنوان تکرار یک الگو و بدون ارائه راه‌حل‌های جدی و متفکرانه نمایش داده می‌شوند.

### شخصیت‌هایی که در سطح باقی مانده‌اند

شخصیت‌های فرعی سریال نیز به‌همین میزان به‌طور سطحی پرداخته می‌شوند. نقش‌های فرعی، از جمله اعضای خانواده یا همکاران فریبا، بیشتر برای پیشبرد داستان به کار می‌روند و به‌ندرت عمق شخصیتی دارند. این امر باعث می‌شود که بیننده نتواند احساس همذات‌پنداری یا ارتباط عاطفی با شخصیت‌ها برقرار کند. علاوه بر این، تعاملات بین شخصیت‌ها بیشتر به‌شکلی سطحی و به‌دور از

### عدم پاسخگویی فیلمنامه به چالش‌ها

اما مشکل اصلی سریال در پیشبرد فیلمنامه و داستان‌های نهفته است. هرچند که در ابتدا جذاب به‌نظر می‌رسد، اما با گذشت زمان، روند داستان کمی کند و کش‌دار می‌شود. شخصیت فریبا در مواجهه با بحران‌های مختلف مانند مشکلات خانوادگی و چالش‌های شغلی قرار می‌گیرد، اما این بحران‌ها به‌خوبی به شکلی پیچیده و عمیق پردازش نمی‌شوند. در واقع، فیلمنامه به‌جای ایجاد لحظات احساسی و تحولاتی که بتواند مخاطب را به فکر فرو ببرد، به سمت درام‌های سطحی و روزمره شخصیت‌ها می‌رود. بسیاری از این بحران‌ها به‌طور عمدی به‌صورت موقت و بدون تأثیرات بلندمدت بر شخصیت‌ها پرداخته می‌شوند و این امر باعث می‌شود که داستان از لحاظ احساسی برای مخاطب جذابیت کافی نداشته باشد.

یکی دیگر از مشکلات فیلمنامه این است که داستان به‌طور پیوسته و منطقی پیش نمی‌رود. گاهی مواقع جریان‌ها به‌شکلی پراکنده و بدون اتصال به هم می‌آیند که باعث می‌شود بینندگان از درک عمیق و متصل بودن اتفاقات داستان باز بمانند. همچنین، ایده‌هایی که در ابتدا جذاب به‌نظر می‌رسند، در ادامه توسعه نمی‌یابند و به‌نوعی به ایده‌های سطحی و تکراری تبدیل